



جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری



مرکز بررسی‌های استراتژیک
CENTER OF STRATEGIC STUDIES

اثرات رفاهی

سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی



شماره مسلسل: ۸۷۵

کد گزارش: ۱۹-۱۴۰۲

اسفند ماه ۱۴۰۲



اثرات رفاهی سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی

---	طبقه‌بندی:
۸۷۵	شماره مسلسل:
۱۴۰۲-۱۹	کد گزارش:



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
اسفند ماه ۱۴۰۲

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
این گزارش، مستخرج از نظرات کارشناسان و خبرگان اقتصادی است و لزوماً به معنای دیدگاه این مرکز نمی‌باشد

فهرست مطالب

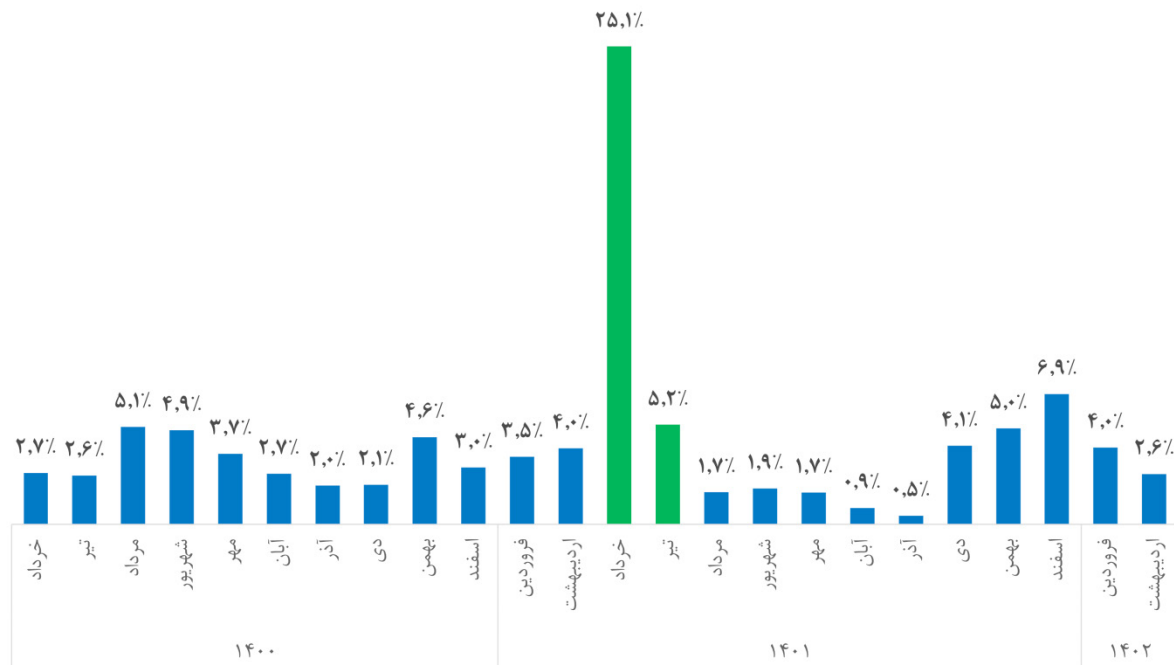
۱	خلاصه مدیریتی
۵	۱. مقدمه
۷	۲. چرا اجرای سیاست اصلاح لازم بود؟
۸	۳. شیوهی محاسبه اثرات رفاهی و توزیعی
۱۳	۴. نتایج محاسبه اثرات رفاهی و توزیعی
۱۷	۵. جمع بندی



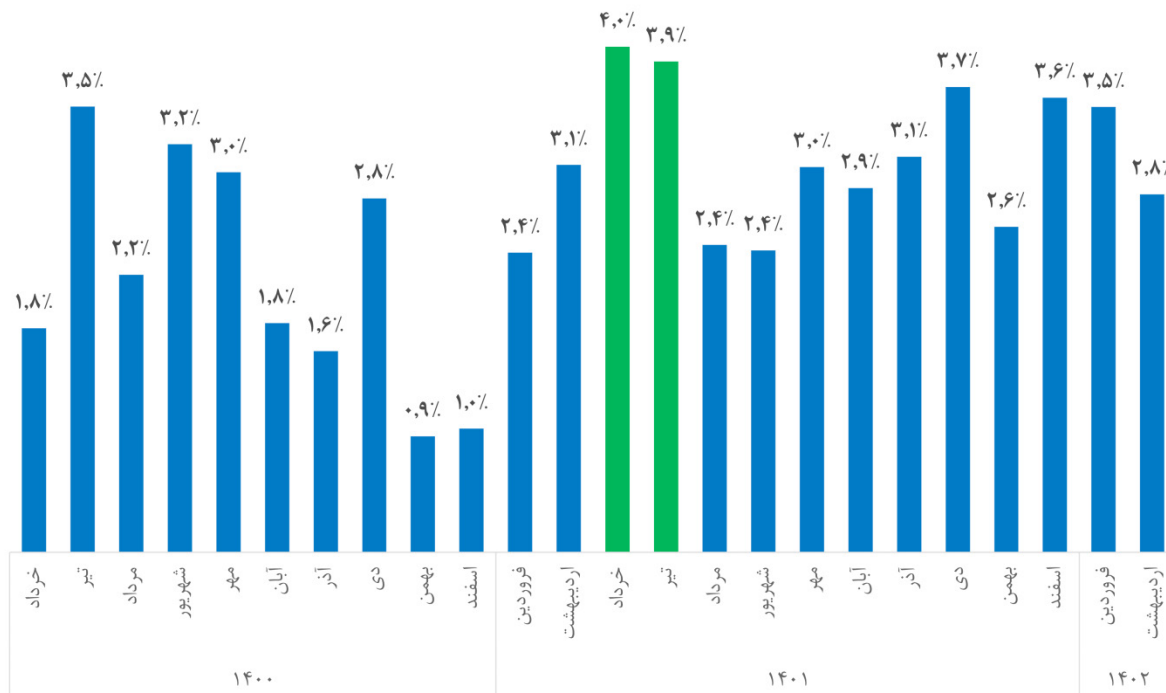
خلاصه مدیریتی

مطالعه حاضر به بررسی آثار اقتصادی حذف ارز ترجیحی (۴۲۰۰ تومانی) در بهار ۱۴۰۱ می‌پردازد. محاسبات انجام شده در مورد وضعیت خانوارهای ایرانی قبل و بعد از اجرای این سیاست بر مبنای داده‌های بودجه خانوار است که توسط مرکز آمار ایران ارائه شده است. مهمترین نتایج این مطالعه شامل موارد زیر است:

● به دنبال حذف ارز ترجیحی کشور شاهد بروز تورم بخشی بوده است. این تورم به صورت خاص در بخش کالاهای اساسی مشاهده شده و در سایر بخش‌های کشور تورم ملموسی مشاهده نشده است. آثار تورمی در بخش‌های مرتبط با کالاهای اساسی (مواد غذایی) پس از گذشت حدود یک فصل از اجرای سیاست از بین رفته است. با توجه به شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در ماه‌های خرداد و تیر به ترتیب ۲۵.۱٪ و ۵.۲٪ بوده و از مرداد به مدت چند ماه به زیر ۲٪ رسیده که حتی از ماه‌های پیش از اجرای طرح هم پایین‌تر است. تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت کالاهای غیرخوراکی و خدمات نسبت به ماه‌های دیگر تفاوت برجسته‌ای نداشته است. در مجموع این سیاست دارای آثار تورمی به صورت محدود (بخشی و گذرا) بوده است.

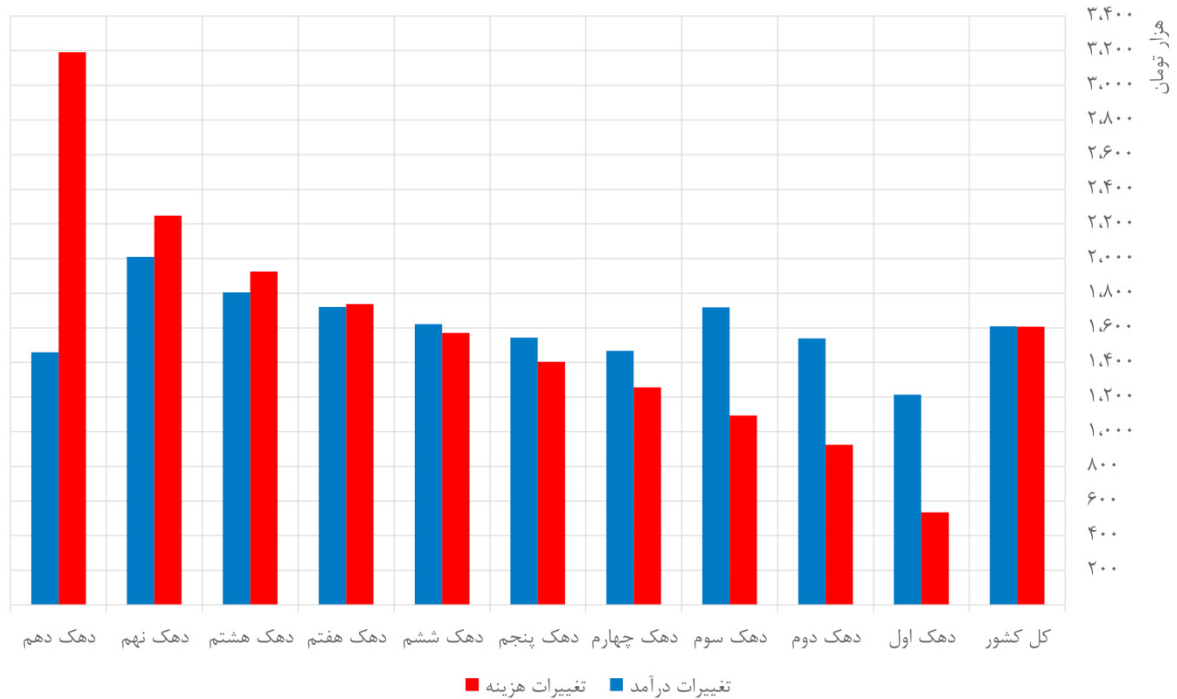


تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات (منبع: مرکز آمار ایران)

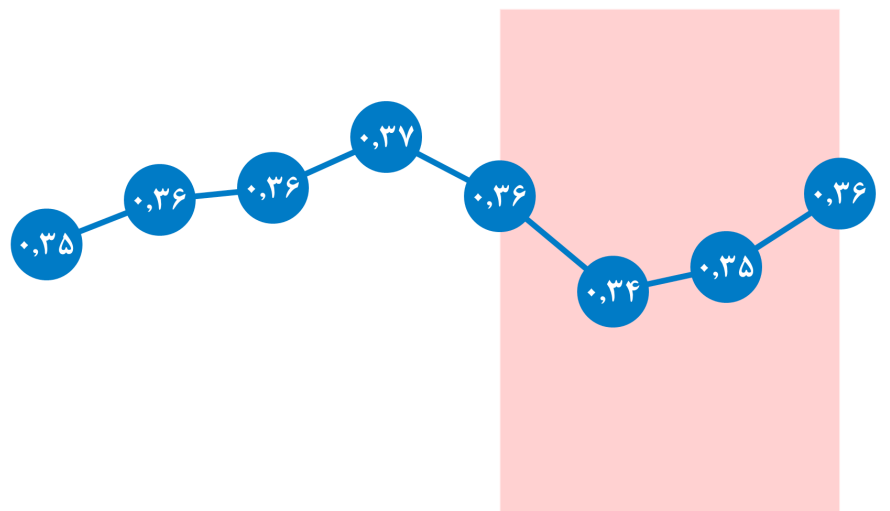


تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت کالاهای غیرخوراکی و خدمات (منبع: مرکز آمار ایران)

- اجرای این سیاست آثار رفاهی متفاوتی بر خانوارهای ایرانی در دهک‌های مختلف داشته است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که دهک‌های اول تا ششم به صورت خالص منتفع و دهک‌های هفتم تا دهم به شکل خالص متضرر شده‌اند. همانطور که در شکل نشان داده شده است، نفع خالص خانوارهای سه دهک نخست در حدود ۶۰۰ هزار تومان در ماه، سودها و زیان‌های دهک‌های چهارم تا نهم به واسطه‌ی جبران نقدی نسبتاً ناچیز و ضرر خالص خانوارهای دهک دهم در حدود ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بوده است. با این حال اگر بهره‌مندی خانوارها در هر دهک نسبت به درآمد آن‌ها سنجیده شود، بهره‌مندی دهک‌های محروم بسیار بیش‌تر از خسارت وارد شده به دهک‌های برخوردار است. این مبلغ معادل ارتفاع ۱۶.۶ درصدی (به نسبت کل درآمد) برای خانوارهای دهک اول در برابر ضرر ۶.۹ درصدی برای خانوارهای دهک دهم است.

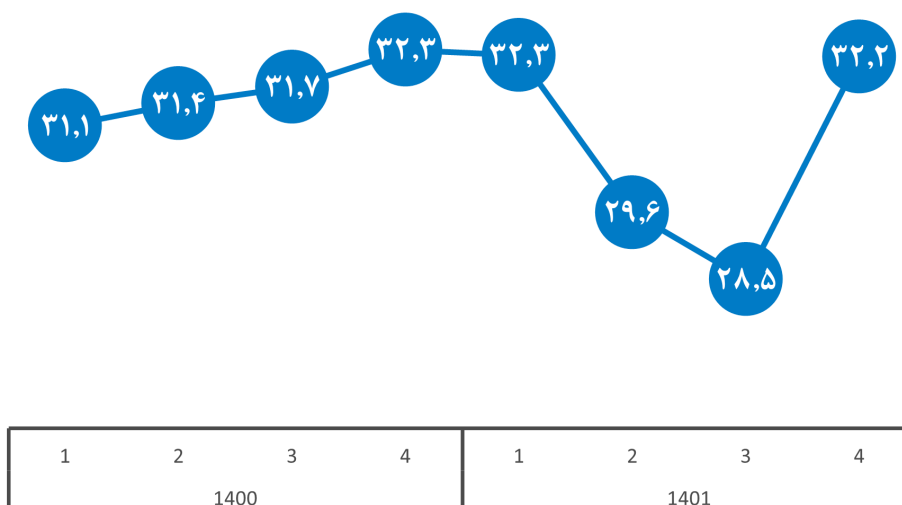


● پس از سیاست، نابرابری هزینه‌ای و درآمدی میان دهک‌های کم و پردرآمد کاهش پیدا کرده است. بر اساس داده‌ها ضریب جینی پس از اجرای این سیاست در حدود ۰.۳ نسبت به زمستان ۱۴۰۰ کاهش یافته و نرخ فقر نیز در تابستان و پاییز ۱۴۰۱ نسبت به زمستان ۱۴۰۰ کاهش حدود ۴ واحد درصدی داشته است.



زمستان ۱۴۰۱ پاییز ۱۴۰۱ تابستان ۱۴۰۱ بهار ۱۴۰۱ زمستان ۱۴۰۰ پاییز ۱۴۰۰ تابستان ۱۴۰۰ زمستان ۱۴۰۰ بهار ۱۴۰۰

ضریب جینی قبل و بعد از اجرای سیاست



نرخ فقر قبل و بعد از اجرای سیاست

در مجموع نتایج نشان می‌دهد که سیاست حذف ارز ترجیحی به عدالت اقتصادی کمک کرده است در حالی که برخلاف آنچه در رسانه‌ها قلمداد شده است، اثر بلندمدت یا عمومی بر گرانی محصولات نداشته است. این آورده‌ها در کنار کمک به کاهش کسری بودجه دولت نشانه‌هایی از موفقیت این سیاست است.



۱. مقدمه

در فروردین ۱۳۹۷ و در پی جهش نرخ ارز، دولت وقت تصمیم گرفت هر دلار را در نرخ ۴۲۰۰ تومان تثبیت کرده و تماماً به تقاضای بازار پاسخ دهد. رفته‌رفته و با افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی، دایره‌ی کالاهای مشمول واگذاری ارز ترجیحی محدودتر شد تا جایی که در آخرین مرحله تنها به پنج قلم کالای اساسی تخصیص یافت. پس از آغاز به کار دولت سیزدهم، زمزمه‌هایی درباره‌ی حذف آن به صورت کلی شنیده می‌شد. در نهایت این تصمیم در اردیبهشت ۱۴۰۱ اجرایی شد و به واسطه‌ی آن مبلغی که پیش از این به واردکننده‌ها واگذار می‌شد، به صورت نقدی در اختیار خانوارها قرار می‌گرفت. پی‌روی این سیاست، خانوارهای دهک‌های اول تا سوم به ازای هر فرد ۴۰۰ هزار تومان و خانوارهای دهک‌های چهارم تا نهم به ازای هر فرد ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کردند. در مقابل به خانوارهای دهک دهم یارانه‌ای پرداخت نمی‌شد. بنابراین رویکرد این سیاست به‌طور خلاصه انتقال یارانه از قیمت به مصرف‌کننده‌ی نهایی در کنار بازتوزیع منابع بود. با این حال پس از اجرای سیاست، موافقت‌ها و مخالفت‌هایی در سطح جامعه ناظر به آن بیان شد. عده‌ای آن را عامل اصلی تورم‌های بالا در سال ۱۴۰۱ می‌دانستند و برخی به اثرات مثبت آن در کاهش هدررفت منابع و مهار فسادهای بالقوه اشاره داشتند.

متقن‌ترین روش برای قضاوت درباره‌ی این موضوع، بررسی متکی به داده است. این گزارش در نظر دارد با رجوع به آمارهای رسمی کشور، تأثیرات سیاست حذف ارز ۴۲۰۰ و جایگزینی آن با یارانه‌ی نقدی را مورد واکاوی قرار دهد. لازم به ذکر است که سیاست اجراشده توسط دولت در اردیبهشت ۱۴۰۱، در عمل از دو بخش تشکیل شده بود. از سال ۱۳۸۹ و به واسطه‌ی سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها، خانوارهای ۹ دهک نخست به ازای هر فرد یارانه‌ای به ارزش ۴۵ هزار تومان دریافت می‌کردند. علاوه بر این به واسطه‌ی افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸، خانوارهای ۷ دهک نخست به ازای هر فرد یارانه‌ای ۵۰ هزار تومانی نیز دریافت می‌کردند. دولت در اردیبهشت ۱۴۰۱ به جز آن که منابع ارز ترجیحی را به صورت نقدی در اختیار خانوارها قرار داد، یارانه‌های پیشین را حذف کرد. با حذف یارانه‌های قبلی، در واقع دولت صرفاً بخشی از پرداختی به خانوار را کاهش داد و منابع حاصل از هدفمندی را آزاد کرد تا از آن برای رفع کسری بودجه و ارائه کالاهای و خدمات عمومی استفاده کند. در حقیقت اگر یارانه‌های ۴۵ و ۵۰ هزار تومانی حذف نمی‌شد، مجموع دریافتی خانوارها به ازای هر شخص بسته به دهک درآمدی آن‌ها به اعدادی مانند ۴۹۵ یا ۳۴۵ هزار تومان می‌رسید. در بررسی حاضر، تنها اثرات بخش اول سیاست، یعنی تغییر نحوه‌ی تخصیص منابع سیاست ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی، مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که برای کشف آثار مربوط به سیاست‌هایی از نوع جایگزینی یارانه‌ی قیمتی با پرداخت نقدی، تا حد امکان باید نتایج آن را از دیگر سیاست‌های هم‌زمان تفکیک کرد. طبق اعلام وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی، در سال ۱۴۰۰ مقدار ۱۷ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای تأمین کالاهای اساسی پرداخت شده است. البته با توجه به افزایش قیمت‌های جهانی، در صورت عدم حذف ارز ترجیحی، انتظار می‌رفت دولت در سال ۱۴۰۱ بین ۱۷ تا ۲۰ میلیارد دلار ارز را برای تأمین کالاهای اساسی به قیمت ۴۲۰۰ تومان اختصاص دهد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حداقل نیاز ارزی برای کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۱ را

با فرض ادامه سیاست‌های گذشته ۱۷ میلیارد دلار و کسری بودجه ناشی از آن را ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. در سال ۱۴۰۰، نزدیک به ۲.۵ میلیارد دلار از کل ارز ترجیحی به واردات گندم و ۳.۲ میلیارد دلار به واردات دارو اختصاص یافته است. از آنجا که پرداخت یارانه‌ی گندم و دارو پس از اعمال سیاست اصلاح نیز ادامه یافت، در واقع با اجرای سیاست بین ۱۱.۳ تا ۱۴.۳ میلیارد دلار از منابع ارز ترجیحی برای دولت آزاد شد تا به شکل نقدی به مردم پرداخت شود. با انجام اصلاح، دولت ارز خود را در سامانه‌ی نیما به واردکننده‌ها می‌فروخت. میانگین ۱۲ ماهه‌ی نرخ دلار در این سامانه در سال ۱۴۰۱ برابر ۲۸.۲ هزار تومان بوده است. فاصله‌ی بین این مقدار و ۴۲۰۰ تومان، درآمد آزادشده‌ی حاصل از فروش ارز دولتی پس از اصلاح خواهد بود. بنابراین در سال ۱۴۰۱، بین ۲۷۱ تا ۳۴۱ هزار میلیارد تومان از محل اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی برای دولت فراهم شده است.

در سمت دیگر با توجه به تخصیص یارانه‌های ۴۰۰ و ۳۰۰ هزار تومانی، متوسط تعداد افراد خانوار در هر دهک هزینه‌ای و تعداد کل خانوارهای کشور، سیاست پرداخت یارانه‌ی نقدی در سال ۱۴۰۱ به مدت ۱۲ ماه مجموعاً به ۳۰۷ هزار میلیارد تومان نیاز داشته است. این مقدار در بازه‌ای قرار دارد که انتظار می‌رفت بدون اجرای سیاست اصلاح از طرف دولت برای خرید کالاهای اساسی پرداخت شود. بنابراین می‌توان گفت **آنچه دولت در سال ۱۴۰۱ به عنوان یارانه‌ی نقدی پرداخت کرده، با تقریب خوبی از محل حذف ارز ترجیحی بوده و در نتیجه، در این فرایند کمبودی یا مازاد معناداری در منابع حاصل از آزادسازی نداشته است.** با این توضیح، می‌توان گفت که اگرچه دولت هم‌زمان با اجرای سیاست اصلاح، یارانه‌های ۴۵ و ۵۰ هزار تومانی سابق را حذف کرده، اما آنچه داده‌ها از تغییرات رفاه خانوارها به واسطه‌ی دریافت‌های نقدی ۴۰۰ و ۳۰۰ هزار تومانی در کنار افزایش هزینه‌های زندگی نشان می‌دهند، فقط پی‌آمد سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی خواهد بود، چرا که منابع و مصارف این سیاست تراز بوده است.

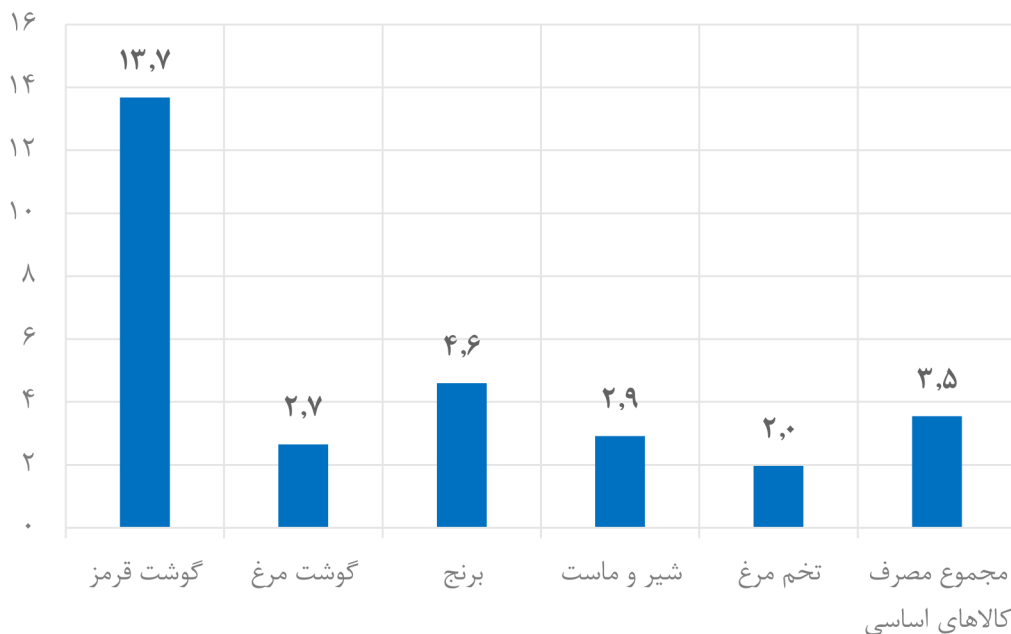
در محاسبات انجام‌شده از دو منظر تلاش شده تا در محاسبه منتفعین (و نه متضررین) این سیاست محافظه‌کارانه عمل شود تا نتایج قابل‌انتکاتر برای ارائه به محافل سیاستگذاری باشد. نخست این که در این محاسبه، بهره‌مندی هیچ‌یک از خانوارهای دهک دهم هزینه‌ای از یارانه‌ی نقدی به حساب نیامده است، در حالی که در عمل به بخشی از این خانوارها هم یارانه تعلق گرفته است. بنابراین به طور میانگین، ضرر خانوارهای دهک دهم به بزرگی آن مقداری که در نتایج ارائه شده، نیست. موضوع دوم مربوط به ارزش ریالی منابع ارزی صرفه‌جویی شده در این طرح است. در محاسبه ارزش ریالی منابع حاصل از آزادسازی ارز ۴۲۰۰ تومانی، قیمت این منابع در بازار آزاد برابر قیمت مبادله‌ای بازار نیما لحاظ شده است. در صورتی که بعضاً هزینه فرصت تأمین یا استفاده از این منابع ارزی عدد بیشتری خواهد بود (به طور مثال ارزش منابع صندوق توسعه که قرار است صرف توسعه زیرساخت‌هایی شود که بدون این منابع باید با هزینه‌های بسیار بالاتری تأمین شود).

با توجه به نکات بیان‌شده، در ادامه‌ی گزارش اثرات اصلاح شیوه‌ی تخصیص یارانه‌ی ارز ترجیحی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش ۲، ابتدا دلایل لزوم انجام اصلاح بررسی می‌شود؛ بخش ۳ به شیوه‌ی محاسبه اثرات رفاهی و توزیعی اصلاح می‌پردازد؛ بخش ۴ خلاصه‌ای از نتایج این محاسبه را ارائه می‌کند و در بخش ۵، مطالب جمع‌بندی خواهد شد.



۲. چرا اجرای سیاست اصلاح لازم بود؟

پرداخت یارانه توسط دولت اصولاً نوعی بازتوزیع درآمد بین گروه‌های جامعه است. حمایت اجتماعی باید طوری باشد که از گروه‌های پردرآمد گرفته و به گروه‌های کم‌درآمد تخصیص داده شود. با این حال، یارانه‌ی کالاهای اساسی نوعی یارانه‌ی قیمتی است که مصرف بیش‌تر از آن‌ها بهره‌مندی بیش‌تری را نیز از یارانه به همراه دارد. در این صورت، حتی با این فرض که این یارانه بتواند قیمت کالاها را در سطح پایین حفظ کند، دهک‌های بالا بهره‌مندی بیش‌تری از این یارانه خواهند داشت. این یعنی نه تنها از دهک‌های ثروتمند گرفته و به دهک‌های فقیر پرداخت نشده، بلکه درآمدهای در دست دولت بین گروه‌های بالای درآمدی توزیع می‌شود. همان‌طور که در نمودار ۱ مشخص است در آخرین سال اختصاص ارز ترجیحی، مصرف کالاهای اساسی توسط خانوارهای دهک یکم بسیار کم‌تر از خانوارهای دهک دهم بوده است. بر اساس این نمودار، به ازای هر یک واحد یارانه‌ی گوشت قرمز که به خانوارهای دهک یکم رسیده، نزدیک به ۱۳.۷ واحد نصیب خانوارهای دهک دهم شده است. ستون آخر این نمودار، نسبت مصرف خانوارهای دهک دهم به خانوارهای دهک اول را از مجموع کالاهای اساسی نشان می‌دهد. با این توصیف، خانوارهای دهک دهم در مجموع حدود ۳.۵ برابر خانوارهای دهک یکم از یارانه‌ی کالاهای اساسی بهره‌مند شده‌اند. بنابراین، سیاست یارانه‌ی قیمتی در مجموع می‌تواند یک بی‌عدالتی گسترده در توزیع مواهب کشور ایجاد کند.



نمودار ۱ - نسبت مصرف دهک دهم به دهک یکم از کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۰

(مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بر اساس داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران)

یک جنبه‌ی مهم دیگر از دلایل لزوم اصلاح این است که با گذر زمان، هزینه‌های ادامه‌ی سیاست تثبیت بیش‌تر و متعاقباً اصلاح آن سخت‌تر می‌شود. در زمان اجرای سیاست یعنی اردیبهشت ۱۴۰۱، قیمت دلار در بازار آزاد نزدیک به ۲۴ هزار تومان بود؛ در حالی که در سال ۱۴۰۲ این نرخ به طور متوسط به حدود ۵۰ هزار تومان رسید. با تثبیت قیمت ارز دولتی و افزایش نرخ دلار آزاد به واسطه‌ی فشار تورم عمومی، هزینه‌ی نسبی تهیه‌ی کالاهای مشمول ارز ترجیحی در مقابل کالاهای جای‌گزین غیر مشمول کاهش یافته و در نتیجه تقاضای آن‌ها از سمت خانوار بالا می‌رود. برای مثال در شرایطی با تورم ۴۰٪ و حفظ قیمت ارز ترجیحی، قیمت گوشت ماهی نسبت به گوشت مرغ افزایش بیش‌تری می‌یابد؛ چرا که مرغ با نهاده‌های مشمول ارز ترجیحی تولید می‌شود و به‌صرفه‌تر است. در نتیجه، هر سال بخشی از تقاضای ماهی به مرغ منتقل می‌شود. در این حالت، واردکننده‌ها تقاضای ارز بیش‌تری برای واردات کالاهای مشمول می‌کنند. این شرایط دولت را در یک دوراهی قرار می‌دهد؛ اول آن که به افزایش تقاضای ارز دولتی پاسخ دهد که در صورت انتخاب این گزینه، دولت باید هر سال منابع بیش‌تری را صرف تأمین کالاهای مشمول کند و این می‌تواند پس از مدتی موجب کسری بودجه و مجدداً تورم شود. راه دوم این است که دولت بدون توجه به تقاضا، همان مقدار ارز سال‌های پیش را تأمین کند. در این صورت، دولت باید ارز ترجیحی را به صلاح دید تخصیص دهد و این موضوع زمینه را برای ایجاد رانت و فساد مهیا می‌کند. حتی با فرض نظارت شدید برای جلوگیری از فساد، جیره‌بندی نهاده‌ی تولید به عدم تعادل عرضه و تقاضا در بازار مصرف‌کننده تبدیل می‌شود که خود عامل بی‌ثباتی اقتصادی و سلب آسایش از معیشت خانوارها است. به جز این با افزایش فاصله‌ی بین نرخ دلار در بازار آزاد و نرخ دولتی، اتکای تولید و مصرف بر نهاده‌های مشمول یارانه‌ی قیمتی بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود. بنابراین هرچه دولت دیرتر تصمیم به اصلاح بگیرد، در زمان اجرای سیاست شوک بزرگ‌تری به اقتصاد وارد خواهد شد. پس به طور خلاصه، یک دلیل دیگر برای چرایی لزوم اصلاح نحوه‌ی تخصیص یارانه‌ی ارز ترجیحی جلوگیری از پدید آمدن کسری بودجه و هم‌چنین فساد خواهد بود.

۳. شیوه‌ی محاسبه اثرات رفاهی و توزیعی

در این بخش ابتدا مسیر کلی محاسبه بیان می‌شود. سپس فرض‌های کلیدی مورد استفاده در محاسبات مرور شده و توضیحی کوتاه درباره‌ی چرایی اعتبار هر فرض بیان می‌شود. در نهایت جزئیات محاسبات مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳.۱. مسیر کلی محاسبه

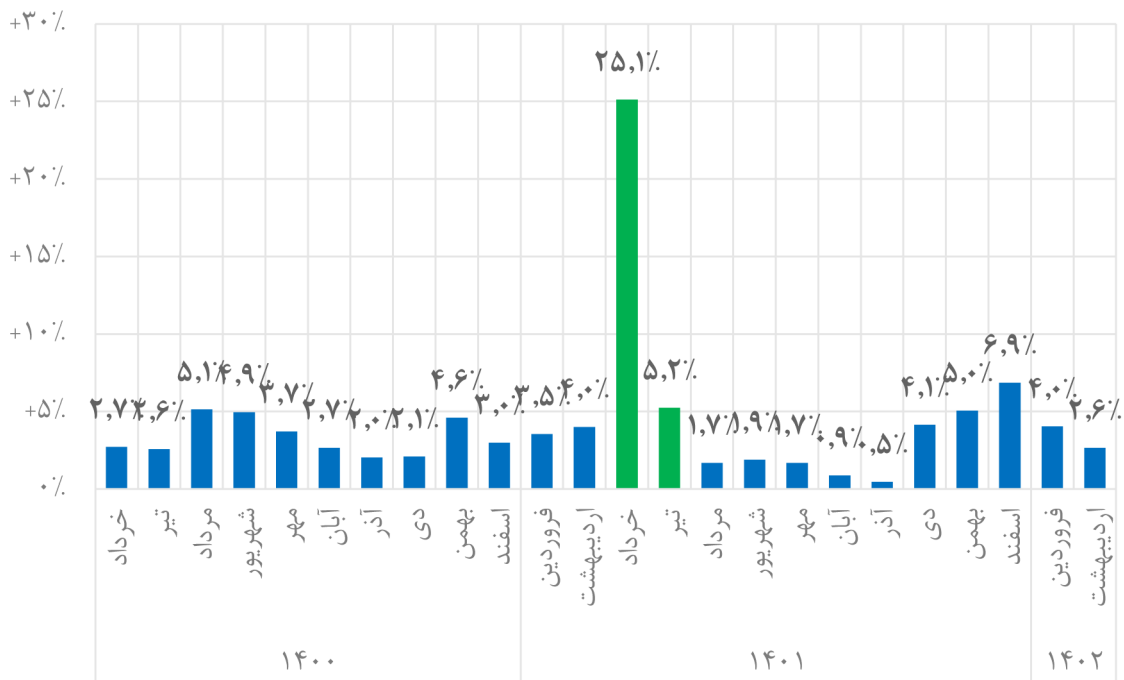
ابتدا هزینه و درآمد خانوارهای شهری در هر دهک هزینه‌ای در اردیبهشت ۱۴۰۱ به دست آمده است. سپس تغییرات درآمدهای خانوار برآورد می‌شود. درآمدهای خانوار در این بازه به واسطه‌ی دو عامل افزایش داشته: (۱) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها که البته باید مجزا از اثر حذف ارز باشد و (۲) یارانه‌ی دریافت‌شده توسط هر خانوار. از سمت دیگر، افزایش هزینه‌های خانوارهای هر دهک تا تیر ماه همان سال با توجه به تغییرات شاخص قیمت محاسبه می‌شود. اختلاف در تغییرات درآمد و هزینه‌ی خانوارها، بهره‌مندی خالص آن‌ها را از اجرای سیاست نشان می‌دهد.



۳.۲. فرض‌های کلیدی

مهم‌ترین فرض‌های استفاده‌شده در گزارش عبارت‌اند از:

۱- اثرات قیمتی حذف ارز در ماه‌های خرداد و تیر ۱۴۰۱ خود را نشان داده و پس از آن اقتصاد به شرایط عادی بازگشته است. با توجه به شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در ماه‌های خرداد و تیر به ترتیب ۲۵.۱٪ و ۵.۲٪ بوده و از مرداد به مدت چند ماه به زیر ۲٪ رسیده که حتی از ماه‌های پیش از اجرای طرح هم پایین‌تر است. این مقادیر در نمودار ۲ قابل مشاهده‌اند. بنابراین می‌توان گفت این سیاست دارای تبعات تورمی بلندمدت نبوده و اثرات آن در دو ماه ابتدایی پس از اجرا تخلیه شده است.



نمودار ۲ - تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات

(مأخذ: براساس داده‌های مرکز آمار ایران)

۲- اثرات قیمتی ناشی از حذف ارز ترجیحی، تنها به اقلام خوراکی به صورت شوک عرضه وارد شده است. از آنجا که پیش از حذف ارز ترجیحی تنها کالاهای گندم، جو، سویا، کنجاله و روغن خوراکی مشمول تخصیص می‌شدند، این سیاست کالاهای غیرخوراکی و خدمات را از دریچه‌ی شوک عرضه تحت تأثیر قرار نداده و حتی اگر منجر به افزایش تورم شده باشد، این سازوکار از دریچه‌ی انتظارات تورمی اتفاق افتاده و به لطف تأثیر یک‌نواخت بر قیمت کالاها و خدمات در کنار دستمزدها، اثرات رفاهی خنثایی داشته است. البته مقادیر نمودار ۳ نشان می‌دهد تغییرات ماهانه‌ی شاخص قیمت کالاهای غیرخوراکی و خدمات نسبت به ماه‌های دیگر تفاوت برجسته‌ای نداشته است.

**۳.۳. جزئیات محاسبه**

ابتدا نیاز است در آمد و هزینه‌ی خانوارها در هر دهک هزینه‌ای در اردیبهشت ۱۴۰۱ یعنی پیش از اعمال طرح محاسبه شود. به این منظور، به نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری کشور در سال ۱۴۰۰ که هر ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود مراجعه شده است. مقادیر درآمدها و هزینه‌های هر دهک در سال ۱۴۰۰ با شاخص قیمت تعدیل شده تا این کمیت‌ها برای اردیبهشت ۱۴۰۱ به دست بیاید. نتایج مربوط به درآمدها در جدول ۱ و هزینه‌ها در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۱ - درآمد ماهانه‌ی خانوار شهری - اردیبهشت ۱۴۰۱ (میلیون تومان)

کل کشور	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۱۱.۲	۴.۱	۵.۸	۷.۳	۸.۲	۹.۱	۱۰.۶	۱۱.۹	۱۳.۷	۱۶.۶	۲۵.۱

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

جدول ۲ - هزینه‌ی ماهانه‌ی خانوار شهری - اردیبهشت ۱۴۰۱ (میلیون تومان)

کل کشور	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۹.۳	۲.۱	۳.۹	۴.۹	۵.۹	۶.۹	۸.۱	۹.۵	۱۱.۴	۱۴.۶	۲۵.۳

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

هر خانوار با الگویی که در فرض ۵ بیان شد، یارانه دریافت می‌کند. در عین حال باید توجه شود که تعداد افراد متوسط خانوارها در هر دهک متفاوت است؛ بنابراین کل یارانه‌ی نقدی دریافت شده توسط خانوارهای هر دهک مطابق جدول ۳ خواهد بود.

جدول ۳ - مجموع یارانه‌ی انتقالی به خانوار - تیر ۱۴۰۱ (هزار تومان)

کل کشور	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۹۵۵	۹۷۶	۱۲۰۰	۱۲۹۶	۹۹۳	۱۰۱۱	۱۰۰۲	۱۰۲۶	۱۰۱۱	۱۰۴۴	۰

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

همان‌طور که در فرض ۱ بیان شد، اثرات گذرای اعمال سیاست پس از ۲ ماه از بین می‌رود. بنابراین حالت پایدار پیش از اجرای طرح شرایط ماه اردیبهشت و پس از آن شرایط ماه تیر بوده است. به این فاصله، دوره‌ی گذار گفته می‌شود. علاوه بر این همان‌طور که در مسیر کلی محاسبات اشاره شد، مجموع درآمد ماهانه‌ی خانوار شهری در ماه تیر به اندازه‌ی یارانه‌ی دریافت شده توسط خانوار و هم‌چنین افزایش درآمد ناشی از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به پیش از اصلاح رشد کرده است. در جدول ۴، مجموع درآمد ماهانه‌ی خانوار در تیر ۱۴۰۱ یعنی پس از گذشت دوره‌ی گذار محاسبه شده است.

جدول ۴- مجموع درآمد ماهانه‌ی خانوار شهری - تیر ۱۴۰۱ (میلیون تومان)

کل کشور	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۱۲.۹	۵.۳	۷.۴	۹.۰	۹.۶	۱۰.۷	۱۲.۳	۱۳.۷	۱۵.۵	۱۸.۶	۲۶.۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

با در نظر داشتن فرض ۳، هزینه‌ی ماهانه‌ی خانوار شهری برای هر دهک در ماه تیر می‌تواند به سادگی با اعمال تغییرات شاخص قیمت کل بر هزینه‌های ماهانه‌ی خانوار شهری در اردیبهشت محاسبه شود. البته تغییرات در سطح عمومی قیمت‌ها به واسطه‌ی سبدهای مصرفی متفاوت برای هر دهک متمایز است. در این محاسبه، این تفاوت مطابق با اندازه‌گیری مرکز آمار ایران در نظر گرفته شده است. نتایج در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵- هزینه‌ی ماهانه‌ی خانوار شهری - تیر ۱۴۰۱ (میلیون تومان)

کل کشور	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۱۰.۹	۲.۶	۴.۸	۶.۰	۷.۱	۸.۳	۹.۶	۱۱.۲	۱۳.۳	۱۶.۹	۲۸.۵

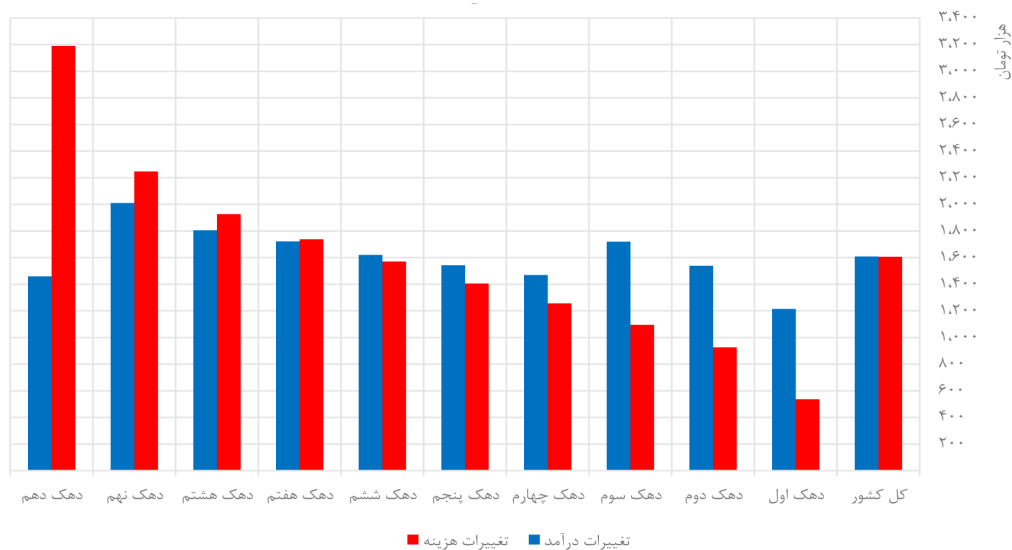
مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش



۴. نتایج محاسبه‌ی اثرات رفاهی و توزیعی

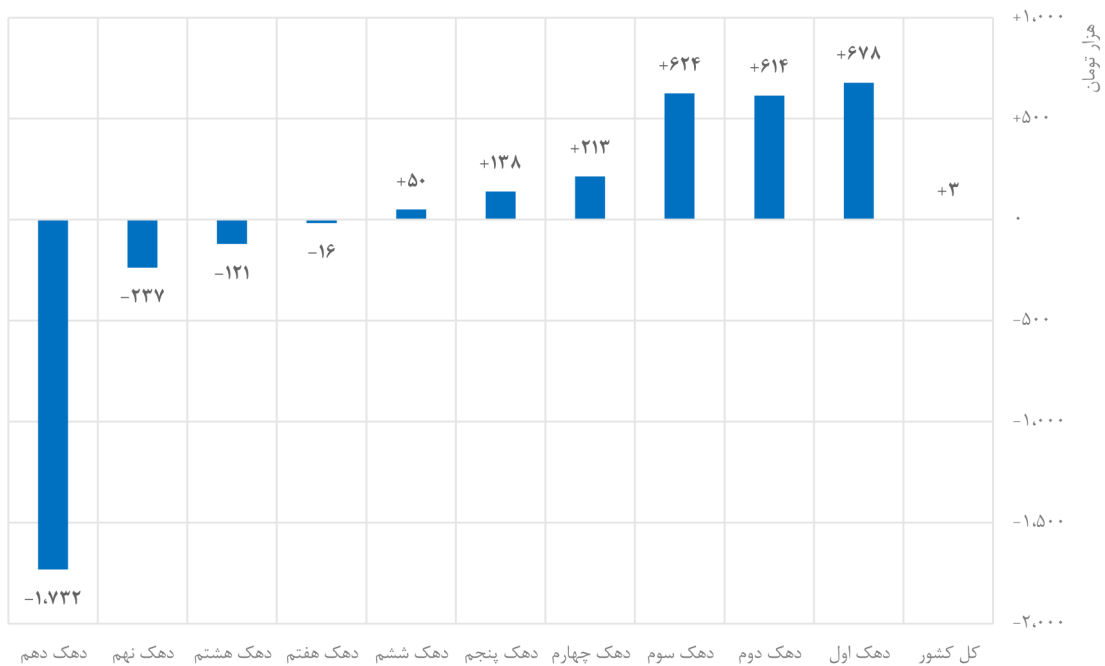
تغییرات در آمد و هزینه‌ی خانوارهای هر دهک هزینه‌ای پس از اعمال سیاست و طی دوره‌ی گذار، در نمودار ۴ ترسیم شده است. یادآوری می‌شود که منظور از دوره‌ی گذار، ماه‌های خرداد و تیر سال ۱۴۰۱ هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، به واسطه‌ی این که دهک‌های بالاتر اصولاً هزینه‌ی بیش‌تری می‌کنند، متناظراً رشد بیش‌تری را هم در هزینه‌های خود متحمل شده‌اند. در سمت دیگر با افزایش دهک، درآمد خانوارها افزایش می‌یابد؛ بنابراین رشد در آمد به واسطه‌ی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها هم صعودی است. در کنار این، سه دهک ابتدایی مشمول یارانه‌ی ۴۰۰ هزار تومانی به ازای هر فرد و شش دهک بعدی مشمول یارانه‌ی ۳۰۰ هزار تومانی هستند. از این رو، مجموع افزایش درآمد دهک سوم که برآیندی از این دو افزایش است، از سه دهک پس از آن فراتر است. علاوه بر این، از آن‌جا که یارانه‌ای به خانوارهای دهک دهم تعلق نمی‌گیرد، افزایش درآمد این دهک از تمام دهک‌ها به جز دهک اول کم‌تر است. ضمناً همان‌طور که انتظار می‌رود، تغییرات متوسط در درآمدها و هزینه‌های خانوارهای کل کشور تقریباً مشابه بوده؛ چرا که سیاست اعمال‌شده صرفاً نوعی بازتوزیع منابع موجود بوده و از آن کاسته یا به آن افزوده نشده است.

حال اگر تغییرات هزینه‌ی ماهانه‌ی هر خانوار از اردیبهشت تا تیر را از تغییرات درآمد آن‌ها در همین بازه کم کنیم، بهره‌مندی خالص هر خانوار به واسطه‌ی اجرای طرح به دست می‌آید. این مقادیر در نمودار ۵ قابل مشاهده‌اند. خانوارهای سه دهک نخست به ترتیب به اندازه‌ی ۶۷۸ هزار تومان، ۶۱۴ هزار تومان و ۶۲۴ هزار تومان به شکل خالص از اجرای سیاست بهره‌مند شده‌اند. به لطف جبران نقدی، نفع یا ضرر خالص دهک‌های چهارم تا نهم نسبتاً ناچیز بوده است. در مقابل از آن‌جا که خانوارهای دهک دهم یارانه‌ای دریافت نکرده‌اند، به طور متوسط مبلغ ۱ میلیون و ۷۲۳ هزار تومان از حذف ارز آسیب دیده‌اند. همان‌طور که در توضیحات نمودار ۴ هم بیان شد، متوسط بهره‌مندی خانوارهای کل کشور نزدیک به صفر بوده است.



نمودار ۴- تغییرات درآمد و هزینه‌ی ماهانه‌ی یک خانوار شهری در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای پس از سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی از اردیبهشت تا تیر ۱۴۰۱

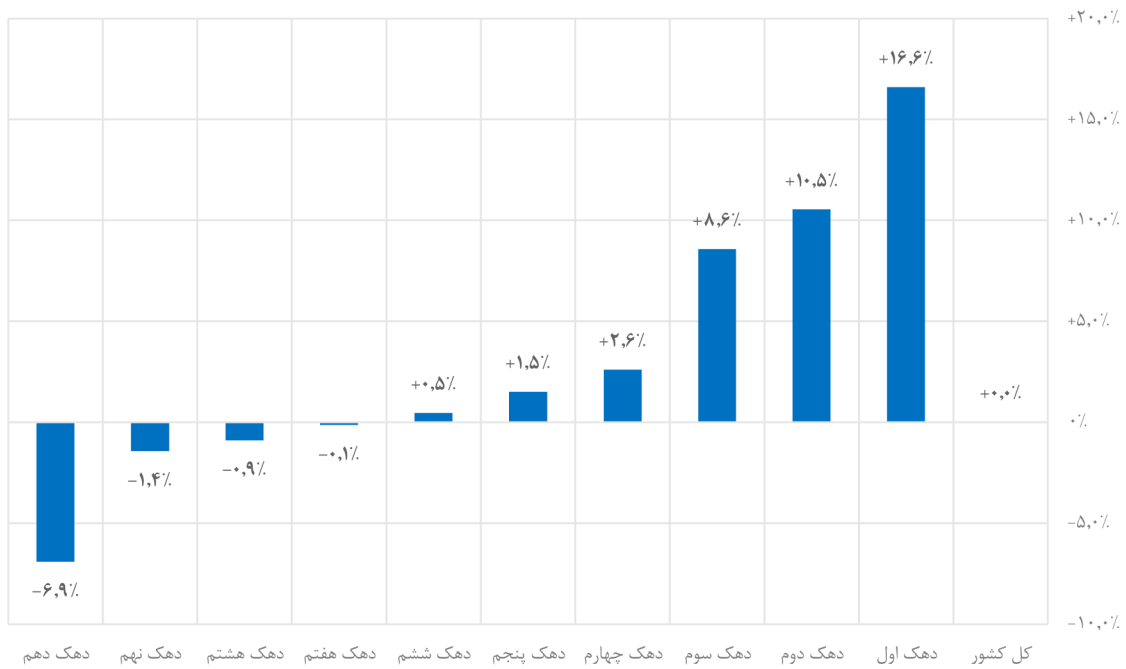
(مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش)



نمودار ۵ - تفاضل تغییرات هزینه‌ی ماهانه از تغییرات درآمد ماهانه‌ی خانوار شهری در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای پس از سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی از اردیبهشت تا تیر ۱۴۰۱

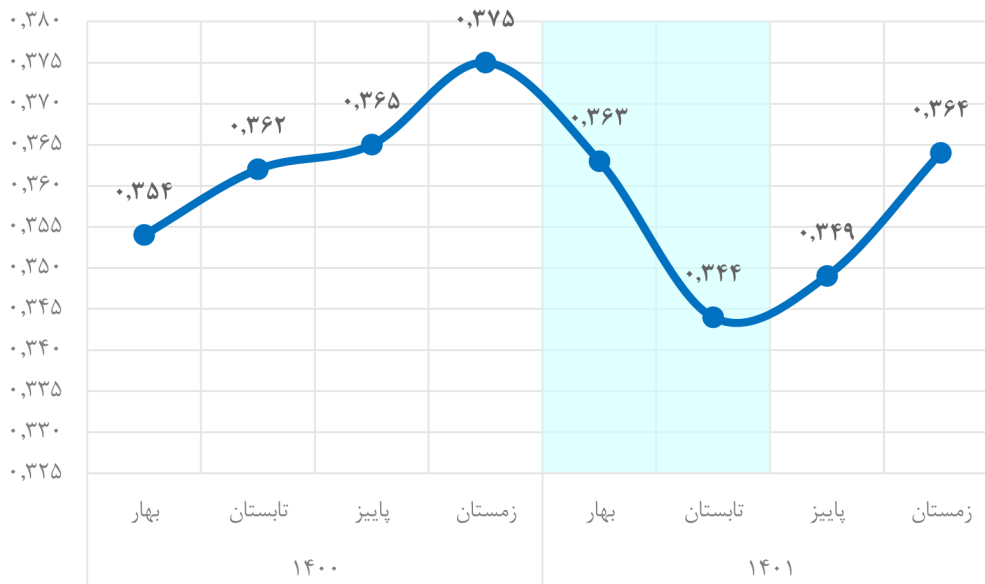
(مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش)

یک نکته‌ی مهم دیگر این است که شاید مقایسه‌ی مقادیر مطلق سود و زیان خانوارها به قدر کافی دقیق نباشد؛ چرا که ارزش هر واحد سود خالص کسب‌شده توسط دهک‌های فقیر به طور نسبی از مقدار از دست‌رفته‌ی مشابه برای دهک‌های ثروت‌مند بزرگ‌تر است. بنابراین به منظور ارتقای کیفیت تحلیل، بهره‌مندی خالص هر دهک را بر درآمد اولیه‌ی آن (یعنی در اردیبهشت ۱۴۰۱) تقسیم می‌کنیم. نتایج در نمودار ۶ قابل مشاهده است. خانوارهای دهک اول به طور متوسط به اندازه‌ی ۱۶.۶٪ از درآمد خود سود برده‌اند؛ در حالی که با وجود مقدار ضرر مطلق بیش‌تر برای دهک دهم، این زیان به اندازه‌ی ۶.۹٪ از درآمد آن‌ها است. این نسبت برای خانوارهای دهک‌های دوم و سوم به ترتیب ۱۰.۵٪ و ۸.۶٪ است که هم‌چنان رقم قابل توجهی است. پس تأثیری که این بازتوزیع بر افزایش رفاه دهک‌های محروم‌تر و خصوصاً سه دهک اول داشته، از ضرر دهک‌های برخوردارتر بیش‌تر است.



نمودار ۶ - نسبت بهره‌مندی خالص حاصل از اصلاح به کل درآمد خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای پس از سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی از اردیبهشت تا تیر ۱۴۰۱

(مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش)

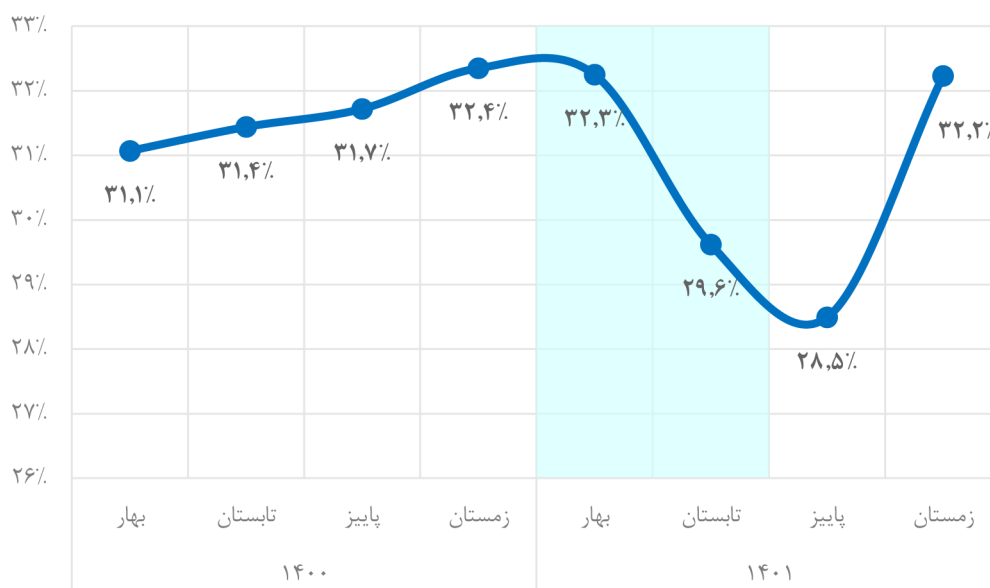


نمودار ۷ - ضریب جینی در زمان اجرای سیاست

(مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران)

از نتایج بالا به نظر می‌رسد که این سیاست احتمالاً در کاهش نابرابری مؤثر بوده است. برای بررسی این گزاره، مطرح‌ترین شاخص اندازه‌گیری نابرابری یعنی ضریب جینی را بررسی می‌کنیم. بر اساس نمودار ۷، ضریب جینی پس از اجرای سیاست در حدود ۰.۰۳ نسبت به زمستان ۱۴۰۰ کاهش یافته. با این حال، بازگشت عوامل اقتصادی مقوم نابرابری روند ضریب جینی را مجدداً در فصل زمستان صعودی کرده است.

هم‌چنین با توجه به این که خانوارهای کم‌درآمد به صورت خالص از اجرای این سیاست منتفع شده‌اند، انتظار می‌رود بعضی از آن‌ها به لطف کمک‌های نقدی از فقر خارج شده باشند. به این منظور، نرخ فقر را در زمان اجرای سیاست بررسی می‌کنیم. در نمودار ۸ مشاهده می‌شود که این نرخ در تابستان و پاییز ۱۴۰۱ نسبت به زمستان ۱۴۰۰ کاهش حدود ۴ واحد درصدی داشته است. البته با جهش‌های ارزی زمستان ۱۴۰۱ و افزایش تورم، نرخ فقر مجدداً افزایش یافته است. در محاسبات مربوط به ضریب جینی و نرخ فقر، اثرات حذف یارانه‌های ۴۵ و ۵۰ هزار تومانی هم لحاظ شده است.



نمودار ۸ - نرخ فقر در زمان اجرای سیاست

(مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران)



۵. جمع‌بندی

برای جمع‌بندی می‌توان گفت سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی در مجموع باعث کاهش فاصله‌ی بهره‌مندی دهک‌های اقتصادی جامعه شده است. در نتیجه‌ی حذف ارز ترجیحی، قیمت کالاهای خوراکی و به طبع هزینه‌ی خانوارها افزایش یافته؛ اما برای درک اثرات رفاهی خالص نیاز است تا یارانه‌ی پرداخت‌شده توسط دولت هم مدنظر قرار بگیرد. از یک سمت، افزایش مطلق هزینه‌ها برای دهک‌های پایین‌تر نسبت به دهک‌های بالاتر کم‌تر بوده است. از سمت دیگر، یارانه‌ی دریافتی این دهک‌ها بیش‌تر بوده است. بنابراین پی‌آمد خالص این سیاست بازتوزیع از بخش برخوردارتر به بخش محروم‌تر جامعه بوده است. بررسی ضریب جینی این موضوع را تأیید می‌کند. علاوه بر این، فقر هم در جامعه کاهش یافته است. از نگاه هنجاری، نتایج اجرای سیاست مطلوب ارزیابی می‌شود. علاوه بر این، از راه‌برد کلی آن می‌توان برای اصلاحات در دیگر حوزه‌های اقتصاد هم استفاده کرد. شفاف‌سازی و تبدیل یارانه‌های پنهان در قیمت به یارانه‌هایی که مستقیماً به مصرف‌کننده پرداخت می‌شود، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در برقراری عدالت اجتماعی داشته باشد؛ ارزشی که از مبانی بنیادین انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

این گزارش با استفاده از داده‌های درآمد و هزینه خانوارهای شهری و شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده، به بررسی اثرات سیاست اصلاح یارانه‌ی ارز ترجیحی اعمال‌شده در اردیبهشت ۱۴۰۱ می‌پردازد. نتیجه‌ی به‌دست‌آمده این است که دهک‌های اول تا ششم به صورت خالص منتفع و دهک‌های هفتم تا دهم به شکل خالص متضرر شده‌اند. نفع خالص خانوارهای سه دهک نخست در حدود ۶۰۰ هزار تومان در ماه، سودها و زیان‌های دهک‌های چهارم تا نهم به واسطه‌ی جبران نقدی نسبتاً ناچیز و ضرر خالص خانوارهای دهک دهم در حدود ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بوده است. با این حال اگر بهره‌مندی خانوارها در هر دهک نسبت به درآمد آن‌ها سنجیده شود، بهره‌مندی دهک‌های محروم بسیار بیش‌تر از خسارت واردشده به دهک‌های برخوردار است. این مبلغ معادل ۱۶.۶٪ از کل درآمد خانوارهای دهک اول در برابر ۶.۹٪ برای خانوارهای دهک دهم است. هم‌چنین نفع یا ضرر متوسط اجرای این سیاست برای خانوارهای کل کشور نزدیک به صفر است. ضریب جینی و نرخ فقر هر دو پس از اجرای سیاست کاهش یافته است. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت سیاست از منظر بازتوزیعی اثرات مطلوبی داشته است.



مرکز بررسی‌های استراتژیک
CENTER OF STRATEGIC STUDIES

تهران، خیابان پاستور شرقی، کوچه شهید شکل‌آبادی، شماره ۵۲

۰۲۱-۶۴۴۵۳۰۴۶-۹

www.css.ir